



هنر و برنامه‌ی درسی

حسن شرفی

تولید هنری به کمک حوزه‌های یادگیری می‌آید

اشاره

دانش‌آموزان قابلیت‌های هوشی متعددی دارند و آموزگاران می‌توانند راه‌های مختلفی را طراحی کنند که متضمن استفاده از توانایی‌های آن‌ها باشند. با توجه به هوش‌های فضایی، بصری، موسیقایی-موزونی، بدنی-جنبشی و همچنین در ترکیب باهوش‌های دیگر که صاحب‌نظران علوم‌شناختی ارائه کرده‌اند، یکی از این مسیرها، درگیر ساختن دانش‌آموزان در مجموعه‌ی فعالیت‌های مربوط به تولید هنری است. به این ترتیب، بر شکل‌های مختلف هنری همچون طراحی، نقاشی، خوش‌نویسی، هنرهای دستی، عکاسی، نمایش (دانش تولید هنری) و همچنین مفاهیم حوزه‌های یادگیری (دانش مفهومی) تأکید می‌شود. در رویکرد تلفیقی «کاربرد هنر در آموزش»، انتظار می‌رود در درجه‌ی اول تقویت حوزه‌های یادگیری (علوم، ریاضی، دینی و...) صورت گیرد؛ ولی در رویکرد تلفیقی «کاربرد حوزه‌های یادگیری در هنر» انتظار می‌رود در درجه‌ی اول یادگیری هنر و در درجه‌ی دوم، برای مثال، یادگیری علوم تقویت شود (کاربرد مفاهیم علوم تجربی در هنر). به این ترتیب، آموزشگران گروه هنر و برنامه‌های درسی کوشش می‌کنند تا هنر را با کمک حوزه‌های یادگیری به‌طور عملی آموزش دهند.

اهداف کاربرد هنر در آموزش

۱. کاربرد هنر در آموزش و کاربرد حوزه‌های یادگیری در هنر به‌منظور ارائه‌ی الگو
۲. استفاده از هنرآمختگان در تأمین نیروی انسانی مدارس و تقویت دانش‌آموزگاران و معلمان هنر
۳. تلفیق دین و دانش و هنر (نگاه همه‌جانبه به برنامه‌ی درسی و آموزش)

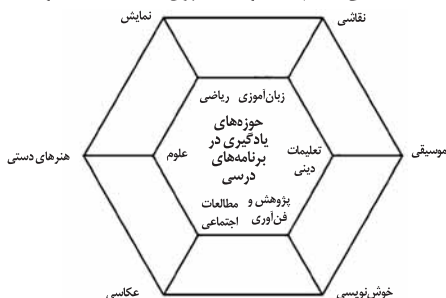
رویکرد تلفیقی به برنامه‌ی درسی و هنر

رویکرد تلفیقی به برنامه‌ی درسی و هنر به‌معنی آن است که ایده‌ها و مفاهیم آموزشی سایر دروس می‌توانند در خدمت یادگیری هنر قرار گیرند. از این‌رو کارکرد اولیه‌ی هنر و نقش ثانویه و تقویتی برنامه‌ی درسی و آموزش سایر حوزه‌های یادگیری مورد تأکید است. به‌عبارت دیگر، در ساعت هنر مفاهیم آموزشی در خدمت یادگیری هنر است؛ همان‌طور که در ساعت سایر حوزه‌ها، هنر می‌تواند در خدمت یادگیری قرار گیرد. در این نوع رویکرد تلفیقی به برنامه‌ی درسی هنر، ایجاد پیوند مفاهیم آموزشی و شکل‌های هنری همچون طراحی و نقاشی، هنرهای دستی (کاردستی)، خوش‌نویسی، عکاسی، نمایش و موسیقی با هدف یادگیری بهتر دانش‌آموزان (در درجه‌ی اول یادگیری درس هنر و در درجه‌ی دوم یادگیری سایر حوزه‌ها) صورت می‌گیرد. دانش‌آموزان با به‌کارگیری مواد و ایده‌های گرفته شده از مفاهیم آموزشی، به خلق اثر هنری در شکل‌هایی از هنرهای تجسمی و نمایشی می‌پردازند. به این ترتیب، انتظار می‌رود خلق اثر هنری در یک حوزه به یادگیری آن حوزه بینجامد.

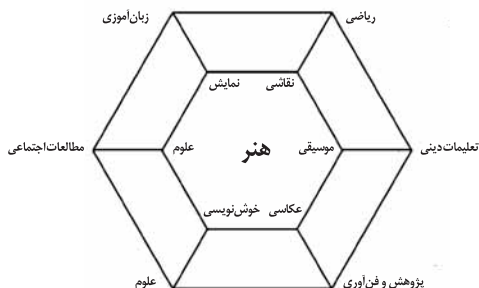
این نوع رویکرد تلفیقی به برنامه‌ی درسی (فرابرنامه‌ی درسی، مدل دانه تسمیحی) با نوع دیگری از برنامه‌ی درسی تلفیقی (مدل‌های محاط شده) هم‌خوانی دارد (مهرمحمدی، ۱۳۷۸). اگر بخواهیم به‌صورت مفهومی بیان کنیم، این نوع تلفیق از طریق محاط کردن و نشان دادن یک یا چند ماده‌ی درسی (یک حوزه یا حوزه‌های یادگیری- کارکرد ثانویه) در ماده‌ی درسی دیگر (درس هنر) در شکل نشان داده شده است. فعالیت‌های یادگیری در این نوع تلفیق در جهت تقویت و پیشرفت یادگیری در درجه‌ی اول درس هنر و در درجه‌ی دوم سایر حوزه‌های یادگیری و یا برعکس است. این سه مدل به این شرح است.



۱. مدل دانه تسمیحی: لاک‌پشت از لاک بیرون آمده (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۱)



۲. کاربرد مفاهیم آموزشی در هنر / شیوه‌ی تلفیقی محاط‌شده
مدل لاک‌پشت در لاک فرورفته: کارکرد اولیه‌ی هنر و نقش تقویتی در حوزه‌های یادگیری (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۱)



۳. کاربرد هنر در آموزش / شیوه‌ی تلفیقی محاط‌شده
مدل لاک‌پشت در لاک فرورفته: کارکرد اولیه‌ی حوزه‌های یادگیری و نقش تقویتی هنرها (ماخذ: نگارنده ۱۳۹۱)